



نویسندگان: مکزیملانمایر «Maximilian Mayer»



گیدالیاہ افترمات «Gedaliah afterman»



نارایان آبا جاناردهان «Narayanappa Janardhan»

منبع و تاریخ نشر: پرنسیپل ستیت گرفت «2023-09-19».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

آیا ایالات متحده می تواند با طرح کمر بند و جاده چین رقابت کند؟

Can the US compete with China's Belt & Road Initiative

آیالات متحده کلید یک طرح بلندپروازانه جدید است که هند،
خاورمیانه و اروپا را به هم متصل می کند.

*The US is key to an ambitious new plan
connecting India, the Middle East, and Europe.*



ده سال پس از آنکه **شی جین پینگ**، رئیس جمهور چین، طرح کمربند و جاده چین (BRI) را در قزاقستان و اندونزی اعلام کرد، یک ابتکار اتصال جدید با هیاهوی زیادی توسط ایالات متحده، هند، و کشورهای عربی خلیج فارس و کشورهای اروپایی در جریان نشست G20 در نیورونمایی شد. دهلی در اوایل این ماه.

از آنجایی که این اطلاعیه بدون حضور روسای جمهور روسیه و چین اعلام شد، تفسیرهای ضد و نقیضی را به همراه داشت. برخی آن را جایگزینی بالقوه برای BRI می‌دانند، در حالی که برخی دیگر، با اشاره به شکست پروژه‌های مشابهی که در گذشته توسط قدرت‌های غربی حمایت می‌شد، آن را یک ببر کاغذی می‌دانند.

جزئیات هنوز وجود ندارد، اما جاه طلبی پروژه بسیار زیاد است. این رویکرد فرامنطقه‌ای را دنبال می‌کند که در بیا نیه کاخ سفید ذکر شده است: «از طریق کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC)، هدف ما آغاز عصر جدیدی از اتصال با یک راه‌آهن است که از طریق بنادری اروپا و خاورمیانه را با شرق آسیا به هم متصل می‌کند.

بدون حضور روسای جمهور روسیه و چین، تفسیر متناقضی برانگیخته شده است. برخی آن را جایگزینی بالقوه برای BRI می‌دانند، در حالی که برخی دیگر، با اشاره به شکست پروژه‌های مشابهی که در گذشته توسط قدرت‌های غربی حمایت می‌شد، آن را یک ببر کاغذی می‌دانند.

ایده این کریدور به سال 2021 برمی‌گردد و همچنین به عنوان بخشی از گروه I2U2 شامل هند، اسرائیل، امارات متحده عربی (امارات متحده عربی) و ایالات متحده مورد بحث قرار گرفته است. مانند BRI، چشم انداز طراحی آن از منطق راهرو پیروی می‌کند. این تعجبی ندارد «کریدور آسیون» مهم‌ترین تجلی فضای سرمایه‌داری زیرساختی و ژئواکونومیک از ابتدای قرن حاضر است.

راهروسازی، که بخشی از فضای پرنورق «مینی‌جانبه‌گرایی» است، می‌تواند متناقض تلقی شود، زیرا قدرت‌های میانی سعی می‌کنند بین دو بلوک ژئوپلیتیکی در حال سخت شدن حرکت کنند. اما روند مداوم تغییر شکل اتصالات زنجیره تامین جهانی ایجاد شده توسط دهه‌ها جهانی شدن می‌تواند آن را به یک پیشنهاد قابل اجرا تبدیل کند.

به نظر می‌رسد BRI و IMEC اهداف مشابه زیادی دارند. اما تفاوت‌های جغرافیایی حیاتی نیز وجود دارد. مهمتر از همه، ابتکار جدید هند را که هرگز بخشی از BRI نبوده است، به عنوان یک بازیگر مرکزی بین منطقه‌ای در میان تخیل جغرافیایی بازاریابی نشان می‌دهد. هر یک از طرفین ابتکار جدید با دیدگاه و علاقه خاص خود همراه است.

برای ایالات متحده، I2U2 و IMEC به عنوان پلتفرم‌هایی برای سرمایه‌گذاری زیرساختی عمل می‌کنند که شرکای خاورمیانه و جنوب آسیا را گرد هم می‌آورند و جایگزینی برای پروژه‌های چینی ارائه می‌دهند.

واشنگتن این رویکرد را فرصتی برای تشویق شرکای منطقه‌ای خود می‌بیند تا نقش فعال‌تر و مستقل‌تری در شکل‌دهی به آینده منطقه داشته باشند و به ایالات متحده اجازه دهد تا سرمایه‌گذاری منابع خود را کاهش دهد و در عین حال حضور و نفوذ خود را حفظ کند.

برای امارات متحده عربی و عربستان سعودی، هدف تقویت دیپلماسی اقتصادی متنوع و چند شبکه‌ای آنهاست که جغرافیای وسیع‌تری را پوشش می‌دهد. هر دو کشور اعضای فعال BRI هستند و همکاری آنها با چین در حال افزایش است. جدای از تجارت رو به رشد، آنها شرکای گفتگوی سازمان همکاری شانگهای (SCO) هستند و به زودی به اعضای کامل بریکس توسعه یافته (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) تبدیل خواهند شد. هر دو کشور در تلاش برای گسترش خودمختاری استراتژیک خود و رقابت برای تبدیل شدن به بازیگران تأثیرگذار منطقه‌ای و بین‌المللی هستند. درگیر شدن در گروه‌بندی‌های چندجانبه جدید، عنصر کلیدی رویکرد آنها برای تقویت وضعیت قدرت متوسط است.

از آنجایی که عربستان سعودی با گرایش به چین به روی جهان بازمی‌شود، امارات متحده عربی نقطه فروش منحصر به فرد جدید خود را در اتصال و چند همسویی پیدا کرده است. در حالی که رویکردهای متفاوت نسبت به مسائل ژئواستراتژیک و منطقه‌ای، به ویژه افزایش قدرت چین و نفوذ جهانی، همچنان یک نگرانی است، مشارکت کشورهای عربی خلیج فارس در ابتکارات تحت رهبری ایالات متحده نشان‌دهنده تمایل جدید آنها به فاصله‌گذاری برابر در میان رقابت ایالات متحده و چین است.

در واقع، ایالات متحده ممکن است IMEC را وسیله‌ای برای مقابله با نفوذ فزاینده چین در منطقه ببیند. با این حال، در خاورمیانه، رقابت و همگرایی مختلط و سیاه و سفید کمتری نسبت به دوقطبی فزاینده آمریکا و چین است. اگر ایالات متحده انتظار داشته باشد که این یک اقدام "ضد" BRI برای منطقه باشد، احتمالاً ناامید خواهد شد. رقابت در اقیانوس هند می‌تواند تشدید شود، اما هم‌افزایی و همگرایی‌های بالقوه با دید درجاتی از سازگاری متقابل را فراهم کند.

هند، که ایالات متحده با آن به عنوان یک "شریک ضروری" رفتار می‌کند، الگوی خوبی از چند همسویی را برای دیگران به نمایش گذاشته است. این کشور عضو Quad و I2U2 است که هر دو شامل ایالات متحده می‌شوند، و همچنین عضو بریکس و سازمان همکاری شانگهای است و چین در هر دو، علیرغم اختلاف دهلی نو با پکن بر سر مسائل

مرزی. IMEC موضوع دیگری را به سیاست چند جانبه دیرینه خود اضافه می‌کند، زیرا کریدور ارتباطی دیگری که هند در حال ترویج آن است - کریدور بین‌المللی حمل و نقل شمال جنوب - با ایران و روسیه را برجسته می‌کند. این پروژه‌ها با هم، به داستان توسعه هند ارزش می‌افزایند و می‌بالند که این کشور سریع‌ترین اقتصاد در حال رشد در جهان است.

کریدور اقتصادی جدید همچنین اضافه شدن احتمالی اسرائیل را در نظر دارد

کریدور اقتصادی جدید همچنین اضافه شدن احتمالی اسرائیل را در نظر دارد. این را باید به عنوان گامی در تلاش‌های مجدد ایالات متحده برای گسترش توافقنامه ابراهیم از طریق تسهیل عادی سازی روابط اسرائیل و عربستان در نظر گرفت. این شکل از تعامل منطقه‌ای همچنین به اسرائیل اجازه می‌دهد تا تنش‌ها را با ایالات متحده، امارات و عربستان سعودی در پی سیاست ائتلاف راست افراطی به رهبری بنیامین نتانیاو، نخست‌وزیر، مدیریت کند.

برای اسرائیل و ایالات متحده، علیرغم اصرار ریاض بر پیوند دادن عادی سازی روابط با پیشرفت در راه حل مشکلات دو کشور، گسترش توافقنامه ابراهیم، به ویژه شامل عربستان سعودی، همچنان اولویت اصلی است. نشانه‌های آزمایشی وجود دارد که نشان می‌دهد نتانیاو ممکن است با برخی امتیازات در جبهه فلسطین موافقت کند، حتی به قیمت فروپاشی ائتلاف راست‌گرای او، به منظور سرمایه‌گذاری و حفظ ادغام منطقه‌ای گسترده‌تر اسرائیل.

برای چین، که به زودی میزبان اولین نشست حضوری BRI در پکن پس از تعطیلی‌های بزرگ COVID-19 خواهد بود، IMEC یک چالش و یک فرصت ایجاد می‌کند. می‌تواند با IMEC رفتاری نادیده‌انگیز داشته باشد، همانطور که ایالات متحده با BRI انجام داده است. گزینه دیگر، همانطور که بلافاصله پس از نشست G20 نشان داده شد، نشان دادن آمادگی خود برای حمایت از اتصال چند جهته است، حتی اگر بخشی از این کریدور نباشد، تازمانی که چنین پروژه‌هایی "باز، فراگیر و هم افزایی هستند" و تبدیل به "ابزار ژئوپلیتیکی" نشوند.

آخرین قطعه در این حماسه اتصال جدید اروپا، به ویژه کشورهای مدیترانه شرقی خواهد بود IMEC. یک توسعه خوشایند است زیرا "دروازه جهانی"، پروژه اتصال خود اتحادیه اروپا، شتاب کافی به دست نیاورده است، زیرا دیپلمات‌های اروپایی در بروکسل در مورد استراتژی‌های چندجانبه و کریدورهای فرامنطقه‌ای مردد هستند.

در حالی که IMEC یک تعامل اقتصادی - دیپلماتیک-امنیتی است، چشم انداز آن به توانایی آن در ارتقای اتصال و تبدیل پتانسیل اقتصادی آن به موفقیت تجاری بستگی دارد. منتقدان قبلاً اشاره کرده‌اند که این ابتکار ممکن است از نظر سود غیرقابل دوام

باشد با این حال، می توان استدلال کرد که فضیلت هایی غیر از کارایی اقتصادی نیز وجود دارد. در دنیای تغییرات زنجیره تا مین بدون ریسک و ناشی از سیاست، کریدور جدید می تواند به عنوان ابزاری برای ارتقای انعطاف پذیری استراتژیک، دوستی و همکاری های فنی، به ویژه برای قدرت های متوسط تلقی شود.

سطوری چندی در مورد نویسندگان این مقاله تحلیلی:

اکسیمیلیان مایر

ماکسیمیلیان مایر، استاد جوان روابط بین الملل و سیاست جهانی فناوری در مرکز مطالعات امنیتی پیشرفته، استراتژیک و یکپارچه سازی (CASSIS)، دانشگاه بن است. او در حال حاضر رهبری گروه تحقیقاتی «زیرساخت های مدرنیته چین و تأثیرات سازنده جهانی آن» را بر عهده دارد که توسط وزارت فرهنگ و علوم ایالت نوردراین وستفالن تأمین می شود. نظرات بیان شده توسط نویسندگان در مورد Statecraft مسئول لزوماً منعکس کننده دیدگاه های موسسه کوئینسی یا همکاران آن نیست.

گدالیا افترمن

دکتر گدالیا افترمن رئیس برنامه سیاست آسیا در مؤسسه دیپلماسی و روابط خارجی Abba Eban در دانشگاه رایشمن (IDC Herzliya) است. او قبلاً به عنوان یک افسر خدمات خارجی استرالیا که روی مسائل امنیتی منطقه ای آسیا کار می کرد و یک دیپلمات در سفارت استرالیا در پکن بود، که در آنجا بر روی مسائل مربوط به سیاست خارجی چین از جمله خاورمیانه تمرکز داشت.

نارایانا جاناردان دکتر N. Janardhan

مدیر تحقیق و تحلیل آکادمی دیپلماتیک انور قرقاش در ابوظبی است. او در روابط خلیج، آسیا و آفریقا تخصص دارد و دوره های PGD و MA را در مورد آنها ارائه می دهد. آخرین کتاب او محور عرب خلیج فارس به آسیا: از تعامل تا مشارکت های استراتژیک بود. او با مدرک دکترای از دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی نو، عضو غیر مقیم مؤسسه کشورهای عرب خلیج فارس در واشنگتن و دستیار سردبیر مجله مطالعات عربی است.

----- با تقدیم احترامات «18-10-2023»